



# انتخاب هم حق، هم تکلیف

مبانی انتخاب و رفتار انتخاباتی

از دیدگاه علامه مصباح یزدی قُدس سره

هادی قطبی

انسان اتفاق می افتد، و نیز از سویی دیگر دنیا به اقتضای مادی بودنش، دارای محدودیت و گاه محل نزاحم هاست، از همین رو باید تلاش کرد تا برای شناخت راه و پیمودن آن و نیز رشد خود و دیگران، از شرایط موجود بهترین بهره برداری را نموده یا در صورت فقدان شرایط مطلوب، آن را ایجاد نماییم. در فرهنگ سیاسی ایجاد شرایط مطلوب به وسیله حاکمان و مسئولان لایق اتفاق می افتد.

بنابراین با توجه به تدریجی بودن سیر کمالی انسان، هر اندازه فرد یا جامعه در مسیر کمال حرکت کند، زمینه برای حرکت استکاملی بیشتر و بهتر فراهم می شود. به عنوان مثال اگر برای تأمین نیازهای مادی و معنوی در محیط نامناسبی به سر می بریم، وظیفه داریم در صورت امکان، محیط زندگی را

بر اساس سنت الهی، انسان ها می بایست در شرایط و موقعیت های متفاوت زمانی و مکانی همواره مورد امتحان قرار بگیرند تا با انتخاب صحیح و بهتر، بندگی خود را به اثبات رسانده و به کمال لایق خود برسند. بدیهی است انسان به دلیل اجتماعی بودنش، می تواند با یک انتخاب در زندگی دیگران نیز تأثیر گذار باشد. به عبارت دیگر میزان ارزش انتخاب انسان ها نیز بر اساس تأثیرات کمی و کیفی تعیین می شود. گاه انتخاب ما تنها در محدود یک فرد تأثیر گذار است و گاه در سرنوشت هزاران نفر یا نسل ها بعد اثر می کند. بنابراین اگر این انتخاب ها به کمال انسانی کمک کند، دارای ارزش مثبت است و اگر در بر خلاف مسیر کمال بوده باشد، دارای ارزش منفی خواهد بود. از آنجا که رشد انسان و کسب کمال حقیقی به طور تدریجی و با اراده و اختیار

تغییر داده (جهاد و مبارزه) یا نقل مکان (هجرت) کنیم، و اگر در محیط مناسبی به سر می‌بریم، وظیفه داریم آن را گسترش داده و به دیگران برای تکامل یافتن کمک کنیم: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ». (۱) حتی تشکیل حکومت و ساختار سیاسی برای اداره بهتر جامعه در رسیدن به مصالح واقعی و تأمین هر چه بهتر نیازهای مادی و معنوی انسان‌ها توسط صالحان، بر همین مبنا ضرورت می‌یابد.

مفهوم انتخابات در ادبیات سیاسی، و در اندیشه سیاسی اسلام بر همین مبنا شکل گرفته است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَهُ حَتَّىٰ يَغْيِرُوا مَا بَأْنَفْسِهِمْ» (۲) از همین رو معیار اصلی در انتخابات، میزان نقش و تأثیر آن در زمینه‌سازی برای رشد و کمال فرد و جامعه است. دلیل آنکه همواره از انتخابات به عنوان پشتوانه و حامی حاکمیت دینی و نیز تقویت آن یاد می‌شود، همین است. (از این امر در ادبیات سیاسی به مشروعیت بخشی و در ادبیات دینی به مقبولیت مردمی یاد می‌شود.)

از این منظر و با توجه به مقدمات یاد شده، شرکت در انتخاب هم حق است و هم تکلیف؛ حق است چون خداوند انسان حق دارد با استفاده از اراده آزاد و مختار خود که خداوند در وجود او به ودیعه گذاشته در مسیر کمال حرکت کند و هیچ کس اجازه ندارد در مقابل مسیر کمال او ایجاد مانع کند. از سوی دیگر تکلیف است، چون دارای قدرت آزادی، انتخاب و تعقل است، لذا دارای مسئولیت بوده و باید برای کمال خویش و دیگران به قدر مقدر تلاش کرده و شرایط آن را فراهم آورد.

### انتخابات، شب قدر نظام اسلامی

مقام معظم رهبری در تعبیر حکیمانه‌ای، انتخابات را به لیله القدر نظام تعبیر کردند و فرمودند: «برای کشورمان و ملتمان روز حساس و لحظه‌ی حساسی است؛ سرنوشت‌ساز است. بعضی از ایام زندگی انسان، این خصوصیت را دارد که سرنوشت بخش عمده‌ای از زندگی را یا بخشی از زندگی را در آن، انسان تعیین میکند. اگر بخواهیم تشبیه کنیم، مثل لیلۃ‌القدر که هر سال، لیلۃ‌القدر برای انسان سرنوشت‌ساز است. هنگام انتخابات هم برای یک ملت، برای یک دوره‌ای، برای پره‌های سرنوشت‌ساز است. لذا این لحظه را من شخصاً قدر میدانم و توصیه به ملت عزیزمان هم میکنم که قدر بدانند و با رأی خودشان، اراده‌ی خودشان، همت و خواست خودشان، تکلیف تقنین در چهار سال آینده را ان شاءالله روشن کنند.» (۳)

بر اساس فرمایش ایشان، می‌توان گفت که روز انتخابات، روز قدر سیاسی امت است که مردم با نوع انتخاب خود، آینده جامعه اسلامی را رقم می‌زنند و به دلیل اثری که حضور یا عدم حضور آنان و نوع انتخاب آنان در آینده امت

اسلامی دارد، در مقابل آن مسئول هستند.

علامه مصباح (ره) نیز با اشاره به آیات مربوط به شب قدر که ارزش عمل در آن شب بیش از دهها سال است، همچنین روایاتی مانند «ضربه‌ی علی یوم الخندق افضل من عبادة الثقلين» معتقدند: «برخی رفتارها ظاهراً حجم زیادی ندارد و سرمایه کلانی صرف آن نمی‌شود، ولی ارزش آن در پیشگاه خداوند با اعداد و ارقام قابل شمارش نیست... هم‌چنان که قرآن کریم برای شب قدر ارزشی معادل هزار ماه قایل است، ایام انتخابات هم از روزهایی است که اگر قدر آن را به خوبی درک کنیم، ارزش آن بیش از سال‌ها عبادت خواهد بود. در مقابل، اگر قدر این ایام را ندانیم و به وظیفه خود عمل نکنیم، در پیشگاه خدا دچار چنان حسرتی می‌شویم که از عذاب هشتاد سال گناه بیشتر است. حضور شما در انتخابات و رأی شما می‌تواند کمک کند تا کسی مسئولیت کارهای کشور را بپذیرد که خدمات ارزنده‌ای برای دین و ارزش‌های اسلامی، و مردم محروم و مستضعف انجام دهد و همه کسانی که موجب شدند چنین کسی این مسئولیت را عهده‌دار شود، نیز در ثواب کارهای او شریک خواهند بود؛ هم‌چنان که اگر به خاطر کم‌کاری ما کسی بر سر کار بیاید که ارزش‌های اسلامی را به فراموشی بسپارد، ما هم در عواقب آن مسئول خواهیم بود.» (۴)

ایشان در جایی دیگر با اشاره به حدیث نبوی «إِنَّ لِرَبِّكَم فِی أیام دهرکم نَفَحَاتٍ أَلَّا فَتَعَرَّضُوا لَهَا.» (۵) می‌فرمایند: «شما در طول عمرتان (مثلاً در صد سال) لحظاتی پیش می‌آید که نسیم‌هایی خاص می‌وزد؛ سعی کنید آن وقتی که آن نسیم می‌وزد خودتان را در معرض آن نسیم قرار بدهید و از آن استفاده کنید. فرصت رأی دادن در صندوق انتخابات ریاست جمهوری یا شورای شهر همیشه فراهم نمی‌شود. هر چهار سال یک مرتبه اتفاق می‌افتد. این فرصت یک نفحه و نسیم الهی است.» (۶)

ایشان همچنین فعالیت‌های انتخاباتی که در آینده مسلمین تأثیر گذار است محدود به لحظه رأی دادن نمی‌دانند، بلکه روزهای قبل از آن و تحقیق و تبلیغ کاندید اصلاح که از روی اخلاص و با انگیزه‌ی خدایی تشخیص داده شده، عبادت می‌دانند و می‌فرمایند: «خود این بحث کردن‌ها، نشست‌ها، گفتن‌ها، خواندن‌ها و شنیدن‌ها، به‌ویژه شنیدن فرمایشات مقام معظم رهبری ایده‌الله‌تعالی، خودش عبادت و توفیقی است که ما بتوانیم از آن برای شناختن تکلیف و بعد بهره‌مندی از مزایا، آثار و برکات مترتب بر آن استفاده کنیم.» (۷)

### انتخابات مهمترین امر مسلمین

### انتخابات اهتمام به امر مسلمین

علامه مصباح (ره) شرکت در انتخابات را نیز از جمله مصادیق



مقام معظم رهبری در تعبیر

حکیمانه‌ای، انتخابات را به

لیله القدر نظام تعبیر کردند

و فرمودند: «برای کشورمان و

ملتمان روز حساس و لحظه‌ی

حساسی است؛ سرنوشت‌ساز

است. بعضی از ایام زندگی

انسان، این خصوصیت را دارد

که سرنوشت بخش عمده‌ای

از زندگی را یا بخشی از زندگی

را در آن، انسان تعیین میکند.

اگر بخواهیم تشبیه کنیم، مثل

لیلۃ‌القدر که هر سال، لیلۃ‌القدر

برای انسان سرنوشت‌ساز است.

هنگام انتخابات هم برای یک

ملت، برای یک دوره‌ای، برای

بره‌های سرنوشت‌ساز است.

لذا این لحظه را من شخصاً

قدر میدانم و توصیه به ملت

عزیزمان هم میکنم که قدر

بدانند و با رأی خودشان، اراده‌ی

خودشان، همت و خواست

خودشان، تکلیف تقنین در چهار

سال آینده را ان شاءالله روشن

کنند.»

### تدریجی و تشکیکی بودن تحقق آرمان‌ها

انجام هر رفتار فردی و اجتماعی، آگاهانه یا ناآگاهانه برخاسته از مبانی فکری و انگیزه‌های مختلفی است. بدیهی است برای انتخاب برتر، باید اصول و اهدافی که بر اساس مبانی فکری شکل گرفته‌اند، در نظر گرفته و بر اساس آنها به گزینش داوطلب اقدام نمود. البته این امر نیازمند شناخت و آگاهی از سوابق، شعارها، اهداف و برنامه‌های کاندیدهاست که از مقومات انتخاب صحیح و به‌عنوان بخشی از فرایند تصمیم‌گیری محسوب می‌شود.

توجه به این نکته ضروری است که هیچگاه اهداف مد نظر جوامع، خواه حق باشند یا باطل، به‌طور کامل تحقق نیافته و نمی‌یابد؛ چراکه اصولاً میزان شناخت انسان‌ها و انگیزه‌های آنان - که دو مولفه مهم هر رفتاری است - یکسان نیست. دقیقاً به همین دلیل است که بهترین انسان‌ها یعنی کسانی که از خطا و اشتباه در شناخت و انحراف در گرایش مصون بوده‌اند، نیز نتوانسته‌اند به‌طور کامل اهداف خود را برای تشکیل جامعه سالم و صالح تحقق بخشند؛ چراکه علاوه بر ضعف شناختی و گزایشی در مردم نسبت به آن اهداف و برنامه‌ها، وجود دشمنان دین و بشریت نیز مانع مهمی در تحقق آرمان‌ها محسوب می‌شود. بر همین اساس، تقویت شناخت صحیح و انگیزه صحیح، و سپس شناسایی موانع، و رفع آنها یعنی دفاع و مبارزه برای یک انتخاب صحیح ضرورت می‌یابد.

علامه مصباح(ره) همواره درباره قضاوت کردن رفتار مسئولان و نیز میزان تحقق آرمان‌ها و ایده‌آل‌های جامعه اسلامی، چنین می‌فرمودند: «ما یک عالم ایده‌آل داریم یا عالم واقعیت. ایده‌آلمان، بایدحیاتی است که ممکن است عقل، نقل، خدا پیغمبر، امامان، بزرگان همه تأیید کنند، اما امکان وقوعش نیست؛ همه انبیا می‌خواستند وقتی مبعوث شدند، مردم بیایند بندگان خدا کنند؛ هم خوشی دنیا را داشته باشند، هم آخرت را؛ اما قرآن می‌فرماید: هیچ پیغمبری نیامد مگر این که همه مردم تکذیبش می‌کردند، استهزایش کردند و تهمت جنون به او زدند و بعضی را هم کشتند. آن یک ایده‌آل بود، این یک واقعیت! کسانی که مدیریت جامعه را دارند، باید ایده‌آل‌ها را مدنظر قرار بدهند، شرایط واقعی جامعه را بسنجند، ببینند چه مرتبه‌ای از آن ایده‌آل‌ها را می‌شود در این شرایط جامعه پیاده کرد... مگر زمان پیغمبر اکرم زمان امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌علیه تخلص نمی‌شد؟» (۱۲)

در جایی دیگر به توقع محدود و معقول تصریح کرده و می‌فرماید: «توجه داشته باشیم این عالم، عالم محدودیت‌هاست؛ امکانات محدود است؛ تزاممات زیاد است؛ دشمنی‌ها از داخل و خارج فراوان است؛ توقع این که کسی سر کار بیاید که همه مشکلات را در ظرف مدت کوتاهی اصلاح بکند توقع به‌جایی نیست. از اول خلقت حضرت آدم تا حالا چند نفر را سراغ دارید که همه مشکلات یک جامعه را توانسته باشند حل کنند؟ توقع باید محدود و معقول باشد تا دشمنان سوءاستفاده و سیاه‌نمایی نکنند.» (۱۳)

### ایده‌آل گرایی افراطی، عامل سرخوردگی و ناامیدی

علامه مصباح(ره) با تأکید بر اینکه زنده ماندن روح انقلابی همچون آغاز و ایجاد آن، نیازمند دو عامل شناخت صحیح و اراده مقاوم است، تحقق این دو امر به‌طور کامل به‌گونه‌ای که در شناخت و اراده دچار اشتباه و ضعف نشود، تنها در شخص معصوم (علیه‌السلام) تحقق دارد، می‌فرماید: «این یک فرض ایده‌آلی است، اما می‌دانیم چنین چیزی در عالم تحقق پیدا نکرده،

این روایت شریف می‌دانستند که پیامبر اکرم (ص) فرمود: «مَنْ صَبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ» (۸) ایشان معتقد بودند کسی که اهتمامی به کار مسلمانان ندارد، مسلمان واقعی نیست و در واقع اسلام را نشناخته که بخواهد به آن عمل کند. علامه مصباح(ره) در ادامه ضمن تعریف اسلام به «راه رسیدن به سعادت حقیقی انسان‌ها در دنیا و آخرت» و «رنگی خدایی که در تمام عرصه‌ها و جهات مختلف به زندگی انسان زده می‌شود» (۹) به عرصه‌های اجتماعی انسان اشاره می‌کنند و می‌فرمایند:

«اسلام در واقع تمام جهات و ابعاد وجود انسان را به طرف هدف حقیقی که همان قرب خدای متعال باشد سوق می‌دهد و این هدف به یک جهت خاص از انسان اختصاص ندارد؛ یعنی این‌طور نیست که فقط چشم یا گوش انسان در حوزه اسلام باشد؛ بلکه دست و پا و زندگی فردی و زندگی خانوادگی و زندگی اقتصادی و امور فرهنگی و نظامی تا بین‌المللی، همه و همه در حوزه اسلام است؛ به تعبیر دیگر هر رفتاری که انسان باید در هر حوزه‌ای انجام دهد جزئی از اجزای اسلام است. با این تعریف، عمده ابعاد وجود زندگی انسان که در ارتباط با انسان‌های دیگر تبلور پیدا می‌کند (یعنی بعد اجتماعی انسان) به‌طور قطع محل توجه اسلام است و خدا خواسته که راه صحیح را در بعد اجتماعی (یعنی در ارتباطی که با انسان‌های دیگر دارد) به انسان ارائه دهد تا در هر لحظه و در هر مسیر و در هر قدم، آنچه را که مرضی خداست انتخاب کند و بدین وسیله او را در معرض امتحان و آزمایش قرار می‌دهد حال چنین انسانی که باید در همه عرصه‌ها اطاعت و بندگی خودش را نسبت به خدا نشان دهد اگر نسبت به بخش اعظم زندگی‌اش که عبارت است از روابط اجتماعی، خدا را فراموش کند، روشن است که اسلام واقعی را نشناخته است.» (۱۰)

با این مقدمه، ایشان شرکت در انتخابات را نیز یک عبادت اجتماعی و سیاسی می‌دانند که نیازمند سرمایه زیاد یا تخصص خاصی نیست بلکه با صرف اندکی فرصت برای تحقیق درباره کاندیدها و احراز معیارها و شاخص‌های لازم در او با مراجعه به اهل علم، می‌توان در تعیین سرنوشت مسلمین مشارکت داشت که در صورت اخلاص، می‌توان از آثار بی‌نهایت و ابدی آن نیز برخوردار شد:

«آیا کار و خدمتی سراغ دارید که مربوط به همه ابعاد زندگی یک جامعه بشود و تخصص و سرمایه خاصی هم نخواهد؟ بله؛ این موقعیتی که امروز برای ما پیش آمده در تعیین کسی که مسئولیت مدیریت کشور را عهده‌دار بشود و همه می‌توانیم بدون نیاز به هیچ تخصصی دخالت کنیم، هر کس می‌تواند یک رأی بدهد و این رأی‌ها - اگر برای خدا باشد - باعث می‌شود که با سرکار آمدن دولتی اصلح همه امور جامعه تحت تأثیر واقع شود و به همه ابعاد زندگی مردم خدمت کند، مخصوصاً اگر آن شخصی که سر کار می‌آید گرایش‌های فرهنگی و دینی هم داشته باشد و دلش برای دین مردم بسوزد. در این صورت یک رأی شما که در یک لحظه در صندوق می‌اندازید خدمتی است برای میلیون‌ها مسلمان و در همه ابعاد وجودی‌شان، بدون اینکه سرمایه یا تخصصی کسب کرده باشید. البته شرطش این است که هوای نفس را کنار بگذاریم و فقط و فقط کسی را انتخاب کنیم که بتواند به اسلام و مسلمین بهترین خدمت را بکند، ولو در ظاهر اصلاً رابطه دوستی با ما نداشته باشد و حتی فرض کنیم که با وی کدورت داشته باشیم. برکات چنین رأی داندنی تا بی‌نهایت ادامه دارد.» (۱۱)





امیدواریم ان شاء الله زمان ظهور ولی عصر عج یک نمونه اش تحقق پیدا کند... خوب غیر معصوم یعنی همین. معصوم است که خطایی در فکرش پیدا نمی شود، در عملش هم کوتاهی پیدا نمی شود؛ اما غیر معصوم در معرض هر دو گونه از این کاستی ها وجود دارد... آن قدر ایده آلی فکر نکنید که سرخورده بشوید... برای آینده هم اگر شما منتظر باشید که یک رئیس جمهوری سر کار بیاید که هیچ نقطه ضعفی نه در شناخت داشته باشد و نه در اراده، طولی نمی کشد که سرخورده خواهید شد. یک چنین چیزی خدا کم آفریده... امام (ره) خودش چند جا تصریح کرد من چند جا اشتباه کردم؛ حالا ما انتظار داشته باشیم یک رئیس جمهوری سر کار بیاید که نه آن تقوای امام را دارد و نه اسلام شناسی امام را دارد، نه استادهای بزرگی مثل مرحوم آقای شاه آبادی و مرحوم آقای حائری موسس حوزه قم را داشته، حالا یک جوان دانشگاهی یا مثلا سپاهی سر کار بیاید آن اشتباهات امام را هم نداشته باشد، خیلی توقع بی جایی است. نخواهد شد. چه در زمینه شناختش چه در زمینه تقوا و اراده اش... تجربه نشان داده بعد از این هم همین طور ها خواهد بود... باید اصلح نسبی را شناسایی کنیم. توقع اینکه آدم بی عیب و نقص پیدا کنیم این غلط است. این شدنی نیست» (۱۴)

#### اهمیت اصل اختیار در انسان ها و تأثیرات آن

به اعتقاد علامه مصباح (ره)، هیچگاه همه افراد به شناخت مطلوب و انگیزه صحیح برای انتخاب فردی و اجتماعی در عرصه های مختلف دست نمی یابند؛ و اگر چنین ایده آلی (که حتی انبیاء نیز به آن دست نیافتند) محقق شود، باز در تحقق خارجی با موانعی رو به رو خواهد شد که برای پیشرفت و انتخاب برتر انسان، مصلحت دارد. در واقع سنت آزمایش و امتحان حاکم بر تمامی سنت های دیگر است؛ ولو آنکه بهترین قانون یعنی اسلام و بهترین مجری یعنی پیامبر ص در رأس آن باشد، باز امت باید با سختی ها و اختلافات و رنج ها آزمایش شوند؛ چراکه تنها از همین راه کمالات بیشتری از انسان ها ظهور و بروز می یابد: «خود پیغمبر... آرمان گرا بود او دلش می خواست همه مردم به بالاترین مراتب کمال برسند؛ اما نشد... ما از این گذشته تاریخ... باید این درس را بگیریم که معنای آرمان گرایی این نیست که همیشه یا لا اقل بعضی اوقات صد در صد تحقق عینی پیدا کند؛ زندگی آدمیزاد این نیست؛ آدمیزاد آن است که قبل از خلقتش ملائکه گفتند «أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يَفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ» (۱۵)

این قطعی بود که این موجودی که خلق می شود، خونریز هست و اهل افساد. خدا هم نفرمود، نه این طور نیست. حالا تا زمان ظهور ولی عصر ارواح فاده چه بشود و مردم مثلا چه تحولی پیدا کنند، درست نمی دانیم. آنچه مسلم

است اینکه حکومت عادلانه ای برقرار خواهد شد، اما حالا مردم هم همه آدم های خوبی بشوند نمی دانیم... ما در انقلاب اسلامی ایران البته باید آرمان گرا باشیم، بخواهیم حکومتی شبیه حکومت امیرالمومنین برقرار بشود. همان طور که امام (ره) نیز در پاریس فرمودند... اما آیا ما این سی و چند سالی که گذشته چند وقتش چنین حکومتی داشتیم؟... آن جایی که یک شخص معصوم در رأس حکومت بود مثل امیرالمومنین و سایر ائمه اطهار خیلی کاری از پیش نرفت، حالا که معصومی در میان مردم نیست و فرشتگانی هم نازل نشدند که جامعه ما را اداره کنند. همین هاست این هایی که در این مدت در ایران دست اندر کار بودند این ها خوب های ما بودند خوب های جامعه بودند خب چرا بعضی هایشان این طوری درآمدند؟ این قدر خرابکاری کردند افساد کردند اشتباه کردند؟ این ها دلیلی دارد اولاً آدمیزاد موجودی است که قابل تغییر است.» (۱۶)

ایشان همچنین با اشاره به رفتار مردم با انبیاء و با اشاره به آیه شریفه «وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ» (۱۷) در رفتار مردم با انبیاء، به ریشه یابی آن پرداخته و می فرماید: «از این جا می شود این نتیجه را گرفت که نباید توقع داشت که یک جامعه ای همه یک دست در یک سطح تسلیم خدا و انبیای خدا باشند. مراتب فهم و درک و ایمان و معرفت و متقابلا مراتب تأثیر هوای نفس و وسوسه های شیطانی و این ها بسیار متفاوت است. پیروان انبیاء... همه اصل خدا و اصل پیغمبر و این ها را قبول دارند، اما اکثریت ضعیفند؛ در معرفت شان، در ایمان شان، در پیروی عملی شان. هر چه به مرکز نزدیک تر می شود و خالص تر می شوند، تعدادشان محدودتر می شود. در عالم اسلام هم چنین چیزی بوده؛ در طول تاریخ هم نمونه هایی داشته. امروز هم همچین.» (۱۸)



در واقع سنت آزمایش و امتحان حاکم بر تمامی سنت های دیگر است؛ ولو آنکه بهترین قانون یعنی اسلام و بهترین مجری یعنی پیامبر ص در رأس آن باشد، باز امت باید با سختی ها و اختلافات و رنج ها آزمایش شوند؛ چراکه تنها از همین راه کمالات بیشتری از انسان ها ظهور و بروز می یابد.

### شرایط انتخاب شوندهگان

ایشان درباره شرایط انتخاب شوندهگان و کاندیداهای انتخاباتی، به ویژه برای دوره ریاست جمهوری، معتقدند در صلاحیت این اشخاص باید سه اصل پای بندی به ارزش های اسلامی، التزام عملی به ولایت فقیه و نیز مدیریت و کارآمدی وجود داشته باشد؛ و هر کس در این جهات با توجه به سوابق و تجربه های گذشته، بهتر بود، نسبت به دیگران اصلح است. ایشان با طرح نظریه اصلح نسبی معتقدند هیچگاه جز در معصوم اصلح مطلق یافت نمی شود: «ادعای اینکه فردی صد درصد مفیدتر است و هیچ اشتباهی ندارد، ادعای گزافی است که در غیرمعصوم خیلی کم اتفاق می افتد. آن چه میسر است این است که اصلح نسبی را بشناسیم؛ یعنی در بین کاندیداها تحقیق کنیم که کدام یک از آنها بهتر از دیگرانند؛ نه اینکه این فرد بهتر مطلق است و هیچ عیبی ندارد و بعد از انتخاب عده ای بگویند پس چرا اشتباه کردید؟ چه بسا کسی را اصلح بدانیم و او را انتخاب کنیم و او نیز اشتباهی داشته باشد؛ اما آیا مگر ما گفتیم کسی را که ما انتخاب می کنیم، معصوم است و هیچ اشتباهی نمی کند؟ پس باید از میان افراد، اصلح نسبی را برگزینیم که نفع او برای اسلام و مسلمین بیشتر است.» (۲۱)

### فرآیند تشخیص اصلح نسبی

«ما باید سعی بکنیم کسانی را شناسایی کنیم که نقایص شان کمتر و امتیازات شان بیشتر باشد... ما کمبودها را باید از لحاظ کیفیت و تأثیرش در سرنوشت انقلاب دسته بندی کنیم... (کمبودها) در یک سطح نیستند. کسی اصلاً فکرش این باشد که بدون سازش با آمریکا کاری نمی شود کرد، این را با هیچ نقص دیگری نمی شود مقایسه کرد. این بسیار کمبود بزرگی است. (چراکه) اصلاً اساس انقلاب ما این است که با آمریکا مبارزه کنیم... شماره کردم نقص ها به تنهایی کافی نیست. باید آدم مجموع برآیند این ها را پیش بینی بکند که مجموع این نقص ها و امتیازاتی که دارد حاصل جمع جبری اش چه می شود... بیشترین سهم را در انتخاب در امتیازات باید به گرایش دینی و فرهنگی داد.» (۲۲)

ایشان همچنین درباره سایر صفات و ویژگی ها معتقد بودند: «اینکه بر اساس چه معیاری اصلح را بشناسیم و بگوییم فردی از دیگری بهتر است؟ در این زمینه، از همه مهم تر و ارزشمندتر، بیانات مقام معظم رهبری «عَلَيْهِ السَّلَامُ» است که در فرصت های مختلف شاخص هایی را برای فرد اصلح ذکر کرده اند که شاید جامع ترین آن، بیانات اخیر ایشان بود؛ ایشان در این زمینه حدود هشت شاخص را ذکر کردند و گفتند باید مجموع اینها را در نظر گرفت و توجه به آنها به صورت تک تک، کافی نیست، یعنی چه بسا تأکید روی برخی از این شاخص ها به صورت جداگانه، بدون در نظر گرفتن سایر شاخص ها، گمراه کننده هم باشد.» (۲۳)

ایشان با تأکید بر این که برای انتخاب اصلح باید اولویت ها را بشناسیم، می فرمودند: «ما یک سری اولویت های مطلق و یک سری اولویت های نسبی داریم، اولویت های مطلق شامل پابندی به اسلام، ارزش ها و انقلاب است.» (۲۴)

همچنین فرموده اند: «ما برای انتخاب فرد اصلح، یعنی اصلح نسبی... اصلح مطلق نخواهیم داشت. برای اصلح نسبی، این فاکتورها را باید



علامه مصباح (ره) در جایی دیگر با اشاره به اصل آفرینش نظام احسن و تنها راه تحقق بیشترین کمالات بر نظام آفرینش، می فرمایند: «این مثال هایی است برای این که ما توقع نداشته باشیم جامعه همیشه یک وقتی بشود یک دست، همه یک طور فکر کنند، یک طور عمل کنند... خدا آدمیزادها را این طوری نیافریده، مراتب فهم فرق می کند، ایمان فرق می کند، هواهای نفسانی اشخاص فرق می کند؛ این دستگاه خلقتی است که خدا آفریده و باید پذیرفت. این است دیگر: گر تو نمی پستی تغییر ده قضا را.» (۱۹)

این سخنان اشاره به تکوینی بودن اصل اختیار و اراده در انسان هاست. وظیفه دیگران این است که او را در شناخت راه و انجام آن یاری دهند؛ یعنی در شناخت و انگیزه او تأثیر بگذارند؛ نه اینکه هر آنچه درباره دیگران اراده کردیم، لزوماً تحقق یابد.

### راهکار عملی و تحقق مصالح و منافع حداکثری

علامه مصباح (ره) برای تحقق مصالح و منافع حداکثری جامعه اسلامی، تشکیل یک جبهه و مرکزی که بتواند با معرفت افزایی و انجام فعالیت های فرهنگی و نیرو سازی، به طور تدریجی زمینه ایجاد جامعه اسلامی را فراهم سازد، ضروری دانسته و می فرمایند: «گر منتظر باشیم که یک جمعیتی پیدا کنیم که هیچ نقطه ضعفی نداشته باشند؛ یعنی شبیه معصوم این باید همیشه همین جایی که هستیم باشیم چنین چیزی نخواهد شد اگر خواهیم رها بشویم و همه را هر طوری هستند بپذیریم ما هم بشویم مثل آن ها خب آن هم سرنوشت ما من مثل امثال بنی صدر و بعضی دیگران خواهد شد... پس چه کنیم؟ ما باید همان مسأله الگوی دوایر متحدالمرکز را همیشه در نظر داشته باشیم سعی کنیم آن هایی را که بیشترین مراتب معرفت و ایمان و پایداری بر اصول را دارند بیشتر با آن ها ارتباط برقرار کنیم اما دیگران را نفی نکنیم در درجه دوم این که یک کمی کمتر از این ها هستند در درجه سوم تا می رسد همه مسلمان ها از فرق دیگری آن ها هم برادران ما هستند در یک جاهایی ما باید با آن ها اتحاد داشته باشیم در مقابل دشمنان مشترک.» (۲۰)





در نظر بگیریم، جمع جبری ببندیم، نه به تعداد (بلکه) به محتوا به کیفیت و به تأییری که می‌تواند در جامعه داشته باشد... ببینیم چه کسی هست که بالنسبه مصالح اسلام را بیشتر رعایت می‌کند، بیشتر اطاعت رهبری دارد... در مرتبه سوم هم کسی که کارآیی دارد در مدیریت کشور... اینها را در نظر بگیریم» (۲۵)

ایشان در موارد متعدد، درباره مهمترین شاخص‌های کاندید اصلح می‌فرمایند: «اولین شاخص اصلح، اهتمام به ارزش‌های اسلامی و خدمت به دین است. دوم ولایت‌مداری است؛ اگر وضع این کشور را با کشورهای همسایه، مثل افغانستان، عراق، سوریه و مصر کنونی مقایسه کنید، می‌فهمید که کمبود آن‌ها چیست... آنها ولی‌فقیه ندارند. شرط سوم، عمومی است؛ هر کسی هر پستی را بخواهد عهده‌دار بشود باید صلاحیت انجامش را داشته باشد. باید کارآیی و تجربه مدیریت داشته باشد. یعنی باید لاقدر در بخشی از وظایفش اطلاعاتی به حد نصاب داشته باشد و در بخشی دیگر از مشاورین کمک بگیرد. چون انسانی که در همه چیز تخصص داشته باشد در عالم پیدا نمی‌شود. امام و رهبر هم در همه چیز تخصص نداشتند و ندارند، ولی در جایی که تخصص ندارند از مشاورین مورد اعتماد بهره می‌گیرند» (۲۶)

### آسیب‌های انتخاباتی

۱: اعتماد کامل به واسطه‌ها

علامه مصباح در آسیب‌شناسی رفتارهای انتخاباتی به سه عامل جهل، عوامل محیطی مانند تبلیغات سوء و نیز واسطه‌هایی که تحت تأثیر اغراض دنیوی به تبلیغ و معرفی نامزدها می‌پردازند، اشاره کرده و درباره مبلغین نامزدها می‌فرماید: «این روزها بیشتر با این آفت مواجه هستیم، اینکه می‌گوییم به‌طور مداوم تحقیق کنید، بدین معناست که به این سخنان به‌طور کامل اعتماد نکنیم... البته انسان هر چه قدر هم تلاش کند، چه بسا در مواردی دچار اشتباه شود؛ این همان مطلبی است که مقام معظم رهبری در سخنرانی خود فرمودند که باید حجت شرعی داشته باشیم؛ اما معنای حجت شرعی این نیست که حتماً به واقع می‌رسیم؛ چه بسا اشتباه کنیم، اما وقتی حجت شرعی داریم، هم پیش خدا معذوریم و هم در کارمان مآجوری م.» (۲۷)

۲: ورود ناهلان به بهانه مشارکت حداکثری

بخش دیگری از آسیب‌ها متوجه مسئولین و کسانی است که به حمایت از کاندیداها می‌پردازند. مهمترین آسیب در این میان، تأیید صلاحیت افراد فتنه‌گر سال‌ها یا حامیان آنها که قصد براندازی نظام را

داشتند و نیز نفوذ آنان با پرچم انقلابی و ارزشی است. ایشان در مقابله با این اشتباه که تأیید یا حضور اینگونه افراد به رونق انتخابات کمک می‌کند، می‌فرمایند: «اگر بخواهیم یک کاری بکنیم که حتماً انتخابات باشکوه بشود و پرجمعیت بشود یعنی باید اینها بیایند آیا قانون ما اجازه می‌دهد؟ شورای نگهبان می‌تواند تأیید بکند؟ مردم از ما می‌پذیرند؟ شما باز فتنه‌جویان را آوردید سر کار؟... معقول این است؟ درست است که حضور اکثری خیلی مطلوب است، اما نه به این قیمت. هر چیزی ارزش خودش را دارد نه این که ما ارزش‌ها و قانون و شورای نگهبان و خواسته‌های مردم متدین را به قیمت این که انتخابات اکثری بشود زیر پا بگذاریم... (البته اگر) تضاد بین دو مصلحت شد باید اقوا را بگیریم... اما خطری که می‌تواند ما را تهدید بکند این است که این را با تجاری که دارند و کمک‌های اطلاعاتی و امنیتی که از خارج به آن‌ها می‌شود و باندیایی که در داخل می‌دانیم دارند، اینها کسانی را بیایند جا بزنند؛ بیایند خودشان را به عنوان اصول‌گرا یا به عنوان بی‌طرف مستقل بیایند مطرح کنند. مانعی قانونی هم برای شرکت‌شان نباشد و اینها از عنوان اصول‌گرایی و عنوان تقدس و دیانت و سوابق جبهه و چیزهای دیگری بیایند خودشان را قالب بزنند و بعد فردا مجلس که تشکیل شد، بیایند مزاحم بشوند نگذارند کار بشود... امام این همه تأکید می‌کرد مبادا بگذارید نظام به دست ناهلان بیفتد، و تصریح کرد که نهضت آزادی ناهلان هستند... اصلاً ما بیاییم ترویج‌شان کنیم؟ کدام عقلی این اجازه



هر کسی هر پستی را بخواهد عهده‌دار بشود باید صلاحیت انجامش را داشته باشد. باید کارآیی و تجربه مدیریت داشته باشد. یعنی باید لاقدر در بخشی از وظایفش اطلاعاتی به حد نصاب داشته باشد و در بخشی دیگر از مشاورین کمک بگیرد. چون انسانی که در همه چیز تخصص داشته باشد در عالم پیدا نمی‌شود. امام و رهبر هم در همه چیز تخصص نداشتند و ندارند، ولی در جایی که تخصص ندارند از مشاورین مورد اعتماد بهره می‌گیرند.

را می‌دهد؟ به بهانه این که انتخابات اکثری بشود؟... خطر این جاست که آن‌ها شرکت کنند به نام اصولگرا به نام انقلابی و فردا ما را فریب بدهند نفوذ کنند در نهادهای ما در دستگاه‌های ما فریب‌مان بدهند. خطر این جاست؛ والا آن‌ها (نااهلان)... هر کاری بکنیم، آن‌ها رأی خودشان را می‌دهند و شرکت خواهند کرد و رأی‌شان را خواهند داد؛ به نمایندگانی که می‌خواهند. هر چند هم بگویند ما اصلاً تحریم کردیم؛ حالا که نگفتند... دروغ می‌گویند عملاً تحریم نمی‌کنند، حتی یک نماینده هم بتوانند بیشتر بیاورند، تمام توان‌شان را می‌گذارند تا این کار را بکنند... اگر یک جایی‌اش هم نمی‌دانیم گوش‌مان به فرمایش مقام معظم رهبری باشد ایشان هم ثابت کرده که با تجربه چهل ساله پنجاه ساله بهترین سیاست‌مدار کشور است؛ مصالح کشور را بهتر از همه درک می‌کند و هم معتقدیم نایب امام زمان است، اطاعتش بر ما واجب است... اگر هزارتا عیب از یک کسی دیدیم، اما ایشان مصلحت دید که فعلاً باشد چشم. هزارتا حسن داشت، ولی ایشان یک عیبی را داشت که می‌دید که این الان برای نظام ضرر دارد، خب فعلاً این نباشد... یک کسی که حسن‌هایی داشته یا نباید فکر کنیم که عیب ندارد عیبش را به موقع اگر بشناسید. باید اگر ضرر به اسلام می‌زند جلوییش را بگیریم از آن طرف اگر کسی کارهای اشتباهی کرده اما در این شرایط برای این کار عیبی ندارد این معنایش این نیست که ما دوباره برویم نیش قبر کنیم بگوئیم چه وقت ده سال پیشتر چه گفتید چه کار کردید الان می‌دانیم برای این کار این خوب است این به این کار ضرر نمی‌زند چه لزومی دارد مخالفت کند آدم؟» (۲۸)

#### وظیفه ما هنگام شکست انتخاباتی

علامه مصباح(ره) با اشاره به فرازهای پایانی زیارت عاشورا، توصیه می‌کنند که نباید از شکست‌های ظاهری نگران بود، چراکه تحقق سعادت اخروی در کنار سایر آثار و برکات دنیوی در طول زمان، بر اثر عمل به تکلیف حاصل شده است: «نبايد از شکست ظاهري امام حسين (عليه السلام) سرخورده شويم، بايد خدا را هم شکر کنیم که چنین مصیبتی بر ما وارد شد و خدای متعال آن را برای ما وسیله سعادت و رحمت و فضل در دنیا و آخرت قرار داد؛ زیرا اطمینان داریم که اجر اخروی انجام وظیفه در هر حال محفوظ است و چه چیزی از این بالاتر که انسان بتواند در کاری مشارکت داشته باشد که هر نفسش عبادت است؛ خواه نتیجه‌ای (دلخواه) که می‌خواهیم بر آن مترتب بشود یا نشود؛ «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدُ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَيَّ مُصَابِهِمْ»، خدا را شکر که توفیق داد به وظیفه‌مان عمل کردیم. ما وظیفه دانستیم که باید به شخصی که به نظر ما ائصال است رأی بدهیم و به دیگران هم توصیه کنیم و - الحمدلله - خدا توفیق داد که هر کاری در این جهت از دست‌مان برمی‌آمد انجام دهیم؛ نه مثل بعضی از کسانی که به خاطر انگیزه‌های مادی و دنیوی رأی دادند» (۲۹)

#### تناسب کیفی بین حاکم و برآیند افراد جامعه

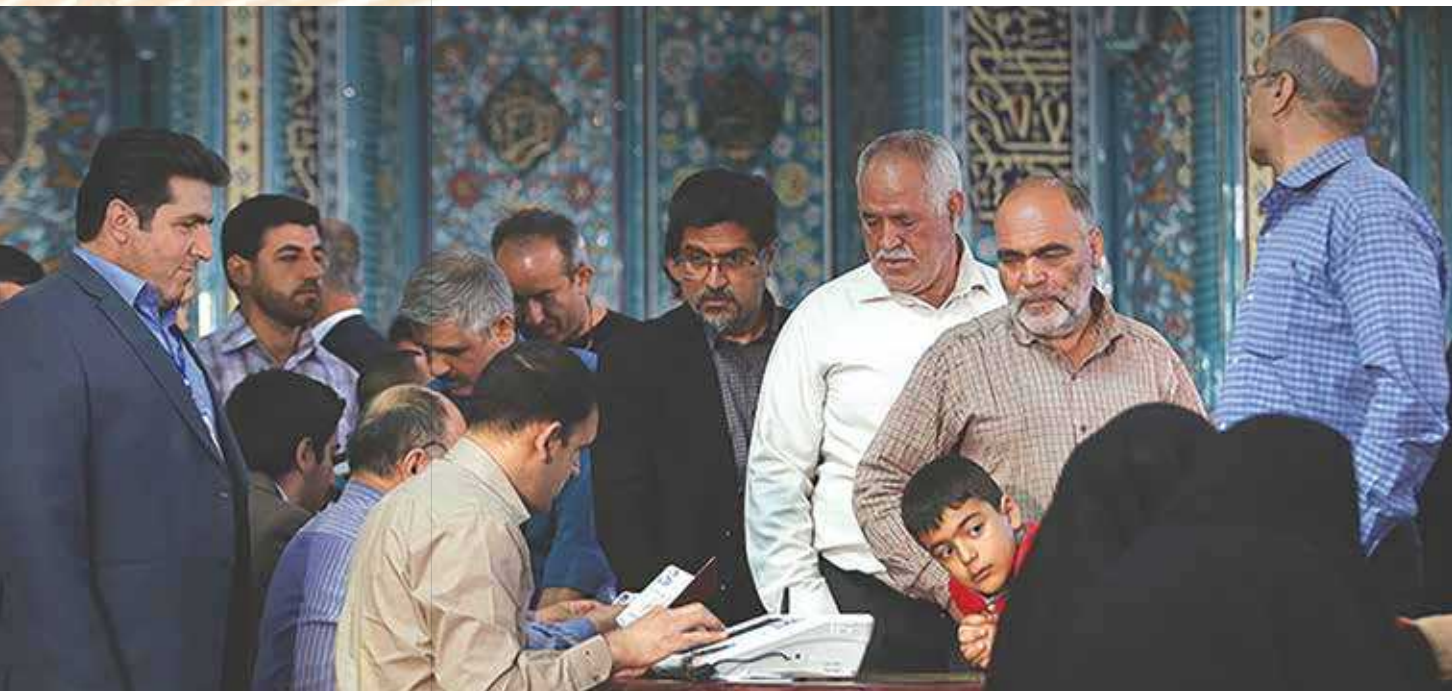
ایشان در نهایت نتیجه انتخابات را در صورت عمل به تکلیف و تضرع به درگاه الهی، به نفع انقلاب می‌دانند و معتقدند: «ما باید برحسب شرایطی که برایمان پیش می‌آید، بینیم وظیفه‌مان چیست و چه کاری باید انجام دهیم. حساب این که خدا چه خواهد کرد، با ما نیست. ما مطمئنیم آن چه مصلحت اسلام است، واقع خواهد شد؛ البته در صورتی که جامعه ما لیاقت آن را داشته باشد. گاهی ممکن است مصلحت اصلی اسلام امر دیگری باشد؛ اما خدای نکرده شرایط جامعه به گونه‌ای باشد که صلاحیت و لیاقت آن امر را نداشته باشد. به عنوان یک نمونه تاریخی می‌توان به شرایط زمان امیرالمؤمنین (علیه السلام) اشاره کرد که برحسب روایت، آن حضرت به خاطر جفاهایی که از ناحیه مردم زمان خود دید، دست به دعا برداشت و عرض کرد: خدایا! من را از این مردم بگیر و کسی را بر آنها مسلط کن که این مردم لایقش هستند. پس از آن، حضرت به شهادت رسید و بنی‌امیه حاکم شدند و کار به دست کسانی افتاد که به نام خلیفه اسلامی جنایت‌های فراوانی مرتکب شدند و به مرد و زن و پیر و جوان رحم نکردند؛ حتی در خود مدینه متعرض ناموس مسلمانان شدند. البته خداوند رحمان و رحیم است و صلاح اسلام را می‌خواهد؛ ولی زمانی که جامعه اسلامی، جامعه فاسد و منحرفی باشد و استعداد و لیاقت خود را از دست داده باشد، حاکمی متناسب با همان جامعه بر آن مقرر خواهد داشت. اما اگر جمعیتی فعال و مؤثر در جامعه باشند که در جهت ارزش‌ها و آرمان‌ها تلاش کنند، حاکمی متناسب با آنها بر سر کار خواهد آمد؛ ولو این جمعیت در اقلیت باشند، چون این مسأله همیشه تابع کثرت عددی نیست. قرآن می‌فرماید: «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً يَأْذَنُ اللَّهُ» (سوره بقره، آیه ۲۴۹) بسیار شده که گروهی اندک به یاری خدا بر سپاهی بسیار غالب آمده، و خدا با صابران است). آنچه مهم است تناسب کیفی بین حاکم و برآیند افراد جامعه است. همیشه حکومت هر جامعه متناسب با برآیند افراد مؤثر در فعالیت‌های اجتماعی است.» (۳۰)

#### نقش دعا و توسل در سرنوشت جامعه

ایشان همچنین با تأکید بر تکلیف‌گرایی و اخلاق و توسل در ایام انتخابات می‌فرمایند: «آخرین جمله بنده که همیشه به همه دوستان عرض می‌کنم این است که اهمیت توسل را فراموش نکنید. ما که برای سردردمان یا برای بیماری جزیی نذر می‌کنیم و به اهل بیت (علیهم السلام) متوسل می‌شویم، برای چنین مسأله‌ای که سرنوشت میلیون‌ها انسان مسلمان در همه عالم تا حدود زیادی بستگی به آن دارد، نباید از دعا و توسل غافل شویم. نباید نذرها، ختم صلوات، زیارت‌های عاشورا، زیارت جامعه کبیره، سایر توسلات و رسیدگی به فقرا را فراموش کنیم. این کارها باعث می‌شود که رحمت خدا جوشش کند و ما را مورد عنایت قرار بدهد.» (۳۱)







**پی نوشت:**

۱. سوره مائده(۵)، آیه ۲: و باید با یکدیگر را نیکوکاری و تقوا کمک کنید نه بر گناه و ستمکاری.
۲. سوره رعد(۱۳)، آیه ۱۱: خدا حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانی که خود آن قوم حالشان را تغییر دهند.
۳. بیانات در مصاحبه با خبرنگار صدا و سیما؛ ۱۳۸۶/۱۲/۲۴.
۴. بیانات در اجتماع اعضای کمیته بانوان جبهه پایداری و حیات طیبه، ۱۳۹۲/۰۳/۲۱ - <http://mesbahyazdi.ir/node/4712>
۵. بحارالانوار، ج ۸، ص ۲۱: همانا در طول عمر شما نسیم لطف و عنایت الهی مکرر می‌وزد؛ شما فرصت را از دست ندهید و خود را در معرض این الطاف قرار دهید.
۶. بیانات در همایش جبهه پایداری؛ ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ - <http://mesbahyazdi.ir/node/4528>
۷. بیانات در همایش دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۹۲/۰۲/۲۷ - <https://www.mesbahyazdi.ir/node/8-84>
۸. الکافی، ج ۲، ص ۱۶۴: هر کس صبح کند و به امور مسلمانان همت نوزد، از آنان نیست.
۹. سوره بقره(۲)، آیه ۱۲۸: «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً»؛ رنگ خداست و چه رنگی بهتر از رنگ خدا؟
۱۰. بیانات در همایش جبهه پایداری؛ ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ - <http://mesbahyazdi.ir/node/4528>
۱۱. بیانات در همایش جبهه پایداری؛ ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ - <http://mesbahyazdi.ir/node/4528>
۱۲. بیانات در دیدار سردار احمدی مقدم با آیت‌الله مصباح در تاریخ ۱۳۹۰/۱۰/۱۴.
۱۳. بیانات در همایش جبهه پایداری؛ ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ - <http://mesbahyazdi.ir/node/4528>
۱۴. بیانات در جمع جوانان و فعالان فرهنگی جبهه پایداری، ۱۳۹۲/۰۷/۳۰.
۱۵. سوره بقره(۲) آیه ۳۰: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»؛ (به یاد آر) وقتی که پروردگارت فرشتگان را فرمود که من در زمین خلیفهای خواهم گماشت، گفتند: آیا کسانی

- در زمین خواهی گماشت که در آن فساد کنند و خونها بریزند و حال آنکه ما خود تو را تسبیح و تقدیس می‌کنیم؟! خلائوند فرمود: من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید.
۱۶. بیانات در دیدار دست‌اندر کاران خبرگزاری رجا با آیت‌الله مصباح یزدی(ره)، ۱۳۹۱/۱۲/۲۸
۱۷. سوره شعرا(۲۶)، آیات: ۸، ۶۷، ۱۰۳، ۱۳۹، ۱۵۸، ۱۷۴، ۱۹۰.
۱۸. بیانات حضرت آیت‌الله مصباح یزدی در دیدار با فعالان فرهنگی و اعضای جبهه پایداری کرمان با آیت‌الله مصباح در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۴
۱۹. بیانات حضرت آیت‌الله مصباح یزدی در دیدار با فعالان فرهنگی و اعضای جبهه پایداری کرمان با آیت‌الله مصباح در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۴
۲۰. بیانات حضرت آیت‌الله مصباح یزدی در دیدار با فعالان فرهنگی و اعضای جبهه پایداری کرمان با آیت‌الله مصباح در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۴
۲۱. بیانات در همایش دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۹۲/۰۲/۲۷ - <https://mesbahyazdi.ir/node/8-84>
۲۲. بیانات در جمع جوانان و فعالان فرهنگی جبهه پایداری، ۱۳۹۲/۰۷/۳۰.
۲۳. بیانات در همایش دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۹۲/۰۲/۲۷ - <https://www.mesbahyazdi.ir/node/8-84>
۲۴. بیانات در دیدار مسئولان و اعضای خبرگزاری رجا، ۱۳۹۱/۱۲/۰۸ - [www.mashregnews.ir/news/197114](https://www.mashregnews.ir/news/197114)
۲۵. بیانات در جمع جوانان و فعالان فرهنگی جبهه پایداری، ۱۳۹۲/۰۷/۳۰.
۲۶. بیانات در همایش جبهه پایداری؛ ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ - <http://mesbahyazdi.ir/node/4528>
۲۷. بیانات در همایش دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۹۲/۰۲/۲۷ - <https://mesbahyazdi.ir/node/8-84>
۲۸. دیدار سردار احمدی مقدم با آیت‌الله مصباح در تاریخ ۱۳۹۰/۱۰/۱۴
۲۹. بیانات در جمع گروهی از اساتید و اعضای هیات علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۲/۰۳/۲۶ - <http://mesbahyazdi.ir/node/4746>
۳۰. بیانات در جمع خواهران جبهه پایداری، ۱۳۹۲/۰۷/۲۲ - <https://www.mesbahyazdi.ir/node/448>
۳۱. بیانات در جمع خواهران جبهه پایداری، ۱۳۹۲/۰۷/۲۲ - <https://www.mesbahyazdi.ir/node/448>



ما که برای سردردمان یا برای بیماری جزئی نذر می‌کنیم و به اهل بیت علیهم‌السلام متوسل می‌شویم، برای چنین مسأله‌ای که سرنوشت میلیون‌ها انسان مسلمان در همه عالم تا حدود زیادی بستگی به آن دارد، نباید از دعا و توسل غافل شویم. نباید نذرها، ختم صلوات، زیارت‌های عاشورا، زیارت جامعه کبیره، سایر توسلات و رسیدگی به فقرا را فراموش کنیم. این کارها باعث می‌شود که رحمت خدا جوشش کند و ما را مورد عنایت قرار بدهد.